

چیستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن

(از دیدگاه مقام معظم رهبری)

* علی محمد زاده^۱

تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۲/۴

چکیده

جهان در دو قرن اخیر شاهد توسعه و پیشرفت‌های شگرف و چشم‌گیری در حوزه‌های مختلف علمی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و اجتماعی بوده است. سرعت این پیشرفت‌ها از نیمه دوم قرن بیستم تا امروز بطور روزافزونی تشدید گردیده است. حاصل این پیشرفت و تکامل اگر چه به نوآوری‌ها و تسهیلات و امکانات شگرفی منجر شده است و تحولات بنیادی در ابعاد مختلف زیست اجتماعی را سبب شده است، اما به همان نسبت و بلکه بیشتر بر معضلات جهانی و روابط اجتماعی ملل افزوده و در سطح کلان سیاست بین‌الملل را با مصائب و مشکلات عدیده‌ای روبرو ساخته است. از دیدگاه مقام معظم رهبری سامان و صورت‌بندی که این وضعیت از سیاست جهانی و روابط بین‌المللی ترسیم نموده است، ساختاری است که از منظر ایشان به «نظام سلطه» تعبیر می‌شود. این مقاله به سه سوال چیستی نظام سلطه، چرایی و علل شکل‌گیری آن و راه حل و چگونگی مقابله با آن از منظر اندیشه آیت الله خامنه‌ای پاسخ می‌دهد. و به این نتیجه می‌رسد که سلطه‌گری، و سلطه‌پذیری بعنوان ماهیت اصلی نظام سلطه حاصل سوء استفاده علمی و عدم پابندی به ارزش‌های ادعایی غربی-آمریکایی است که آنان را به جهان‌خواری و استعمار و استثمارگری سوق داده است. راه مقابله با این انحراف و سلطه‌گری را ایشان در بکارگیری سیاست‌ها و شیوه‌های متعددی جستجو می‌نمایند که بازگشت به هویت و ایمان اسلامی (برای مسلمانان)، تلاش برای کسب استقلال علمی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی و مبارزه و مقاومت در برابر سلطه‌گران از جمله آنها می‌باشد.

کلمات کلیدی: مقام معظم رهبری، نظام سلطه، سلطه فرهنگی، سلطه سیاسی، سلطه اقتصادی و سلطه علمی.

^۱ - دکترای علوم سیاسی از دانشگاه تربیت مدرس و مدرس دانشگاه

مقدمه

درهنگامه رقابت و انحصارطلبی دو ایدئولوژی لیبرالیسم و سوسیالیسم و قطب بندی جهان به دو بلوک شرق و غرب در اواخر دهه هفتاد قرن بیستم میلادی، ایران دستخوش حوادثی عظیم بود که به پیروزی انقلاب اسلامی انجامید. این انقلاب از همان آغاز با نفی ایدئولوژی‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم راه و مسیر جدیدی را متفاوت از نظام‌های حاکم جهانی فرا روی مبارزان و ملل تحت ستم نهاد. در واقع انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام خمینی(ره) امر سیاسی را در بازگشت به امر قدسی و حکومت مبتنی بر دین تفسیر نمود که می‌تواند الگویی قابل اجرا در گستره جهان اسلام و بعنوان بدیلی برای حکومت‌های سکولار و نیز غیر دموکرات باشد. آنتونی گیدنز جامعه‌شناس مشهور انگلیسی معتقد است:

« دیدگاهی که مارکس، دورکیم و ماکس وبر در آن سهیم بودند این بود که دین سنتی بیش از پیش در دنیای مدرن به صورت امری حاشیه‌ای در می‌آید و دنیوی شدن فرایندی اجتناب ناپذیر است. از این سه فقط ماکس وبر می‌توانست حدس بزند که یک نظام دینی مانند اسلام ممکن است تجدید حیات عمده‌ای پیدا کند و پایه تحولات مهم سیاسی در اواخر قرن بیستم شود و آن چیزی است که در دهه ۱۹۸۰ در ایران رخ داد» (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۱۶).

جان فوران از پژوهشگران مطرح حوزه انقلاب، معتقد است که انقلاب ایران خانم اسکاچ پل (از محققان و نظریه پردازان بنام مطالعه انقلاب‌ها) را وا داشت تا در تحلیل خود بپذیرد که این حداقل یک انقلاب بود که آرمان‌ها و اساسا اسلام باعث تحریک



کنشگران انقلابی شد (فوران، ۱۳۸۲: ۲۷۱). برآستی این یک منظومه متعالی و معنایی بود که بایسته های شکل گیری یک نظام سیاسی متفاوت با نظام های موجود را در درون خود داشت و آن را بحبوحه و اوج تاخت و تاز نظام دو قطبی بعنوان بدیل سوم به نمایش گذاشت.

امام خمینی (ره) با انقلاب اسلامی و احیای اسلام بنیاد تفکر غربی را به چالش کشید و بدیلی را در برابر سیطره چندین قرن ایدئولوژی های غربی و شرقی بنیاد نهاد. واقعیت دیگری را که آنتونی گیدنز عنوان می کند این است که احیا گری اسلامی را نمی توان صرفاً بر اساس ملاحظات مذهبی درک کرد. این جنبش تا حدی نشان دهنده واکنشی علیه تاثیر غرب و یک جنبش ابراز هویت ملی یا فرهنگی است (گیدنز، ۱۳۸۷: ۵۱۸). در حقیقت انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر دین و معنویت و اراده الهی در عرصه سیاست، جوهر اصلی تفکر جدید غربی یعنی سکولاریسم و اومانیزم را به چالش کشید و توانست شالوده های سیاسی، هویتی و فرهنگی نظامی را پایه گذاری نماید که سیاست ورزی و الگوهای رفتاری قدرت ها و نظام های سیاسی بویژه نظام سرمایه داری غرب را به چالش بکشد.

حضرت آیت الله خامنه ای با شناخت دقیق سیاست بین الملل و کنش کارگزاران تمامیت خواه لیبرال دموکراسی در زوایای مختلف، اهداف، استراتژی ها و برنامه های آنان در گستره جهان را به چالش کشیده اند. تا آنجا که به این تحقیق مربوط می شود ایشان وجه سلطه گری مدرنیت غرب را در سویه های مختلف سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی آشکار نموده و از آن بعنوان نظام سلطه یاد می کنند. این مقاله به سه سوال چپستی نظام سلطه، چرایی و علل شکل گیری آن و راه حل و چگونگی مقابله با آن از منظر اندیشه آیت الله خامنه ای پاسخ می دهد. بنابراین رویکرد اندیشه شناسی منطق عملی (درونی) توماس اسپریگنز را هم از منظر شیوه پرداختن به موضوع و هم از منظر تحلیل نظام سلطه در گستره جهانی مناسب تشخیص می دهد.



چارچوب نظری: رهیافت اندیشه شناسانه منطق عملی (درونی) اسپریگنز

نظر به نگاه انتقادی و آسیب شناسانه مقام معظم رهبری به سیاست حاکم بر نظام بین الملل و اینکه چرا ایشان «نظام سلطه» را برای توصیف، تحلیل و استمرار وضعیت جاری جهان بکار می‌گیرند؟ رهیافت اندیشه شناسانه منطق عملی (درونی) اسپریگنز، اعتبار بیشتری برای تحلیل نظام سلطه دارد. اسپریگنز مراحل را که در نهایت به یک نظریه ختم می‌شود، ابتدا در چهار مرحله مطرح می‌سازد: نخست منطق عملی از مرحله‌ای آغاز می‌کند که اندیشمند سیاسی بحران سیاسی و بی‌نظمی در زندگی سیاسی را دریافته است، بنابراین مشاهده بی‌نظمی‌ها (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۳۹) و آشفتگی‌ها در جامعه او را وادار به شناسایی علل این بی‌نظمی‌ها می‌کند و از اینجا مرحله دوم منطق عملی، یعنی تشخیص علل و ریشه‌های بحران، آغاز می‌گردد. در این مرحله باید به مطالعه دقیق در علل بی‌نظمی و کارکرد نادرست اوضاع سیاسی مشاهده شده پرداخت. در این مرحله این سؤال مطرح می‌شود: آیا مشکل مطرح شده ریشه سیاسی دارد؟ (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۸) البته اسپریگنز خاطر نشان می‌سازد که، علت سیاسی، علت عمومی است نه فردی و قراردادی است و نه طبیعی، یعنی ریشه مشکل از آن‌هایی است که به جامعه مربوط می‌شود و نه به تأثیرات ذهنی فرد. مشکل محصول شرایطی است که انسان میتواند آنرا تغییر بدهد و پدیده‌ای طبیعی نیست. (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۱۱۸)

در مرحله سوم نظریه پرداز می‌کوشد تصویر یک نظم سیاسی را که در زمان او وجود ندارد، ترسیم کند و بالاخره در مرحله چهارم، رهیافت منطق عملی، ارائه راه حل است، و نظریه پرداز... به وجهی مشکل مطرح شده را حل و فصل می‌کند. اسپریگنز اعتراف می‌کند که، مواردی هم هست که توصیه‌ها واضح و نظام یافته نیستند. (اسپریگنز، ۱۳۷۹: ۴۰) مرحله سوم این رهیافت تا حدودی خیالی و آرمان‌گرایانه جلوه می‌کند، از اینرو، اسپریگنز آنرا در مرحله چهارم ادغام کرده و بطور کلی از سه مرحله، مشاهده بی‌نظمی، علل، و ارائه راه حل در کتاب خویش، نام می‌برد. در کل باید گفت که به

سات شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



نظر اسپریگنز، نظریه‌های سیاسی محصول شرایط عینی هستند و ریشه در نیازهای بشری دارند.

با الهام از بیانات رهبری منظور از "نظام" در این تحقیق روابط متقابل و پیچیده و منظم درون یک مجموعه از عناصر (بازیگران بین‌المللی) می‌باشد که به یک ساختار منسجم بین آن عناصر انجامیده است. بازیگران عمده نظام بین‌الملل تحول و پویایی سیاست بین‌الملل را به گونه‌ای مدیریت نموده‌اند که بازخورد و نتیجه آن به شکل‌گیری نظام سلطه انجامیده است. این پژوهش رویکرد اسپریگنز را در گستره نظام بین‌الملل بکار می‌گیرد و بر مبنای دیدگاه‌های رهبری معظم انقلاب در باره نظام سلطه ضمن تعریف مفاهیم اساسی ابتدا شناسایی نارسائی‌ها و بی‌نظمی‌های حاکم بر نظام بین‌الملل را شناسایی نموده سپس به ریشه‌یابی و علل این بی‌نظمی‌ها می‌پردازد و سرانجام درمان و ارائه راه حل از دیدگاه ایشان را مورد توجه قرار می‌دهد.

۱. مشاهده بی‌نظمی (تشخیص درد)

۱-۱. نگاه هستی‌شناسانه به ماهیت و زوایای نظام سلطه (چیستی نظام سلطه)

مقام معظم رهبری ساختار شکل گرفته در نظام بین‌الملل را تحت عنوان "نظام سلطه" ارزیابی نموده و در موارد متعددی به طرح سوال در ماهیت و چیستی نظام سلطه پرداخته و زوایای آنرا آشکار نموده‌اند از جمله:

«امروز جهان از قطب‌های سلطه تشکیل شده است؛ مجموعه‌هایی که بر روی هم متأسفانه یک نظام سلطه‌ی جهانی را در این دوران به وجود آورده‌اند. نظام سلطه چیست؟ نظام سلطه این است که بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌گر و بعضی از کشورهای دنیا سلطه‌پذیرند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۷/۲۴).

در فرازی دیگر معتقدند:

«نظام سلطه به معنای آن است که در روی زمین، ملت‌ها به دو گروه تقسیم

یاست پژوهی

چیستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



شوند: یک گروه سلطه‌گر، و یک گروه سلطه‌پذیر. دولت‌های استکباری عادت کرده‌اند که سلطه‌گری کنند، زور بگویند، در اقتصاد ملت‌ها، در فرهنگ ملت‌ها، در سیاست‌ورزی ملت‌ها، در تربیت ملت‌ها، در سبک زندگی ملت‌ها، از سر استکبار و سلطه‌طلبی دخالت کنند؛ همه‌چیز دنیا در اختیار آنها باشد» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۳/۲/۳)

در این فراز رهبری انقلاب سلطه‌گری را همه‌جانبه می‌دانند که در ابعاد سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی نمود دارد. ایشان سلطه‌پذیری را هم‌تراز سلطه‌گری می‌دانند که به همان نسبت نامطلوب است به عبارتی آنها دو روی یک سکه اند:

«امروز در دنیا نظام سلطه حاکم است؛ این یک نظام جهانی است. تسلط نظام سلطه بر دنیا و زندگی بشر، دو طرف دارد: یک طرف، سلطه‌گرها که همان ابرقدرت‌هایند؛ و طرف دیگر، دولت‌های سلطه‌پذیر هستند که دخالت‌های وقیحانه و گستاخانه‌ی ابرقدرت‌ها را قبول می‌کنند؛ اینها هم خودشان شریک جرمند» (بیانات در مراسم بیعت اقشار مختلف مردم ۱۳۶۸/۴/۲۵).

همینطور:

«نظام سلطه یعنی این که در دنیا یک امپراتوری قدرت وجود دارد، متشکل از طرفهایی. در مقابل آنها، منابع ثروت متعلق به ملت‌ها وجود دارد. رابطه‌ی بین این دو قطب، رابطه‌ی سلطه است؛ سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. او سلطه‌گری می‌کند؛ ملت‌هایی هم که یا خاکشان، یا آبشان، یا نفت‌شان، یا منابعشان، یا موقعیت سوق‌الجیشی‌شان مورد نیاز آن مرکز قدرت است، باید سلطه‌پذیر باشند و آنچه را که او لازم دارد و منافعی تأمین می‌شود، تقدیم او کنند» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۶/۸).

بنابراین اگر سلطه‌گری مشی ماهیتی و هویتی دولت‌های استکباری است، اما قبول سلطه از طرف دولت‌های ضعیف‌تر آنان را در امر سلطه‌گری تشویق می‌کند. به عبارت دیگر فلسفه وجودی نظام سلطه استمرار این ماهیت دوگانه و البته روابط متقابل

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



بین آنهاست.

آیت الله خامنه ای سپس به ویژگی ها و ساختار نظام سلطه اشاره می نمایند:

«یک گفتمان ظالمانه، زورگویانه، متکبرانه و خودخواهانه است از سوی قدرت های انحصارطلب عالم، قدرت های سلطه گر عالم که متکی به بنگاه های اقتصادی بزرگ جهانند؛ همیشه دنیا بوده اند، امروز هم هستند؛ در گذشته با صراحت و وقاحت آشکار زبانی، حقیقت خودشان را نشان می دادند؛ امروز در پوشش های گوناگون الفاظ زیبا، مثل حقوق بشر، مثل عدم خشونت و امثال این ها، منافقانه و ریاکارانه کار خودشان را پیش می برند» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه السلام ۹۴/۲/۳۰).

جالب اینجاست که آمریکایی ها حتی در راهبردهای امنیتی خود از جمله راهبرد امنیت دفاعی آمریکا در سال ۲۰۰۶ آشکارا ارزش های مورد علاقه بشریت را در حیطه مسئولیت جهانی کشورشان تعریف می کنند: ما مسئولیت داریم آزادی انسانی را ارتقاء بخشیم. ایالات متحده از آزادی در هر نقطه جهان حمایت خواهد کرد (یزدان فام، ۱۳۸۷: ۲۴۱) آنها مدعی اند که دموکراسی را همچون کالایی آمریکایی از سر لطف به سایر نقاط جهان می بخشند: ما بانی گسترش دموکراسی در خاورمیانه بزرگ شده ایم (یزدان فام، ۱۳۸۷: ۲۴۱) اینکه کدام دموکراسی و در کدام کشورهای خاورمیانه ابتکار آمریکایی هاست و چه آرامش و ثبات سیاسی را به ارمغان آورده است؟ برآستی جای سوال دارد.

از نظر رهبری ظلم و تبعیض نظام سلطه نوع بشریت را نشانه رفته است :

« در این که ظلم هست، در این که تبعیض هست، در این که منطق دوگانه بر قدرت های مسلط جهان حاکم است، مگر شکی وجود دارد؟ ظلم با رزی که امروز بر مجموعه ی بشریت دارد میرود، مشهود همه است. ظلم قدرت های مسلط بر ملت هایی که دستشان از امکانات دفاعی خالی است،

سیاست پژوهی
چستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



جلوی چشم همه است؛ این را مشاهده می‌کنید. ... مسئله‌ی امروز اروپا، گره‌گشائی از مردم نیست؛ گره‌گشائی از بانکدارهاست، از سرمایه‌دارهاست، از صاحبان ثروت‌های کلان است. آحاد بشر، نوع بشر، برای قدرت‌های مسلط مطرح نیستند. اینها یک حقایقی است که در دنیا وجود دارد؛ خوب، بشریت فکر کند ببیند منشأ این کجاست؟ منشأ، نظام سلطه است.» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۹۱/۳/۲۹)

«بطور کلی ایشان نظام جهانی را همان نظام سلطه می‌دانند که ساختار استکباری و ظلم شاخصه رفتاری آن است» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵).

این سلطه‌گری موسع و همه‌جانبه است :

« امروز دستگاه‌های پنهان و آشکار قدرت - چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های نظامی و چه در زمینه‌های امنیتی - کار می‌کنند، برای این که میلیاردها انسان را به زیر سلطه‌ی خودشان درآورند» (بیانات در دیدار جمعی از فرماندهان و پرسنل ارتش ۱۳۸۰/۱/۲۸).

«امروز دیو مهیب و نفرت‌انگیز سلطه، ملت‌ها را تهدید می‌کند. این تهدید، فقط متوجه ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی نیست؛ متوجه همه‌ی دنیاست؛ متوجه اصل و اساس انسانیت است» (بیانات در مراسم مشترک دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۸۴/۹/۳۰)

بنابراین از بیانات رهبری چنین استنباط می‌گردد که چون موضوع نظام سلطه، سلطه بر انسان است، پس مرز و جغرافیا و نژاد و ملیت نمی‌شناسد و یک سلطه جهانی است.

ساختار و ارکان نظام سلطه از دیدگاه ایشان عبارتند از :

«نظام سلطه‌ی بین‌المللی که امروز مظهرش حکومت آمریکا است، سرمایه‌دارهای بزرگ صهیونیست‌اند و بعضی از دولت‌های مستکبر دیگر؛ اینها نمایندگان و نمادهای نظام سلطه‌ی بین‌المللی هستند» (بیانات در دیدار

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲).

در مجموع فحوا و محتوای این سخنان بنیان‌های معرفت شناسانه غرب را به چالش کشیده شده است. به عبارتی توسعه علمی و اقتصادی غرب بجای اینکه امنیت و آسایش را (چنانکه ادعا می کنند) برای بشریت به ارمغان بیاورد، به ابزاری برای زورگویی ، توسعه طلبی و عوام فریبی تبدیل شده اند و این با عقلانیتی که فرهنگ غرب از آن دم می زند منافات دارد. بعلاوه دوگانگی انسانها که در سیاستهای عملی نظام سلطه آشکار است بشدت اصل کرامت انسان و احترام به افراد و حقوق اساسی آنها را که از بنیادهای معرفتی لیبرالیسم است را زیر سوال می برد. به بیان دیگر ارزشهای جهانشمول انسانی همچون ابزاری برای سلطه‌گری و حاکمیت بعد نفسانی انسانیت بکار گرفته می شود. بنابراین بشریت و شرایط حاکم بر جهان علی رغم شعارهای جذاب نظام سلطه از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست .

۱-۲. پیامدهای نظام سلطه

از نظرات رهبری معظم انقلاب می توان پیامدهای حاکمیت نظام سلطه را در چند محور تشخیص داد:

۱-۲-۱. بردگی ملت‌ها و تسلط بر سرنوشت آنها :

« سیاست کلان نظام سلطه، عبارت است از بردگی ملت‌ها و تسلط بر سرنوشت ملت‌ها بدون اینکه کمترین اعتنایی به مصالح ملت‌ها و خواسته‌ی آحاد ملت‌ها داشته باشند» (بیانات در دیدار دانشجویان ۱۳۹۳/۵/۱)

۱-۲-۲. گسترش جنگ، فقر و فساد:

«سیاست‌هایی که در دنیا سه عنصر جنگ و فقر و فساد را گسترش میدهند» (بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۲/۶/۲۶)

۱-۲-۳. ایجاد فضای استکباری :

یاست‌پژوهی

چستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



«در بین مجموعه‌ی این حرکاتی که در اطراف جهان وجود دارد؛ این آمیختگی حق و باطل، این تسلط و هیمنه‌ی ظالمانه و شیطانی انسانهای شیطان‌صفت بر زندگی دیگران؛ در این فضای کذائی، که فضای استکبار است، همان فضای نظام سلطه است» (بیانات در دیدار بسیجیان استان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۲).

۱-۲-۴. سلطه شبکه صهیونیستی :

«امروز بسیاری از مشکلاتی که در کشورهای اروپائی، ... وجود دارد، ناشی از این است که سیاست‌های شبکه‌ی خبیث صهیونیستی بر دولت‌های این کشورها حاکم است. اینها از سرمایه‌داران و کمپانی‌داران صهیونیست که در دنیا زیادند، چشم می‌زنند و حساب می‌برند. در آمریکا هم همین جور است. تملق‌گوئی به صهیونیست‌ها، یک شیوه‌ی معمول در بین قدرتمندان آمریکاست» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴).

در فرازی دیگر می‌فرمایند:

«دست‌های پنهان و خبیث صهیونیست‌هاست، که سیاستمداران دنیای سلطه را بازیچه‌ی خود دارند و مطبوعات و رسانه‌های فراوانی هم در اختیار آنهاست؛ همان‌هایی که امروز بر دولت کنونی آمریکا به کلی حاکمند و در اروپا هم فعالیت می‌کنند» (بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۱/۱۸).

جالب است که نه تنها نویسندگان منصف آمریکایی بلکه سیاستمداران و استراتژیست‌های آنها هم به تسلط صهیونیسم بر مقدرات ایالات متحده معترفند. کالینز پایپر می‌نویسد: آمریکا در عمل به مرکز قدرت و ثروت صهیونیست‌ها تبدیل شده است. صهیونیسم بر آمریکا سلطه دارد و آمریکا زیر انگشتان صهیونیست‌ها می‌خواهد بر عالم حکم براند (کالینز پایپر، ۱۳۹۰: ۱۶) برژینسکی از تئوریسین‌ها و استراتژیست‌های آمریکایی معتقد است: یهودیان نفوذ و نقشی روزافزون و سرنوشت‌ساز در سیاست خاورمیانه ای آمریکا دارند (برژینسکی، ۱۳۸۶: ۲۵۱).

۱-۲-۵. نابودی هویت ملی انسان‌ها :

«امروز مرکز استکبار - یعنی نظام ایالات متحده‌ی آمریکا - با ارزش‌های انسانی و با انسان‌ها چه می‌کند: هتک حرمت و حیثیت انسان‌ها، گرفتن جان انسان‌ها، نابود کردن هویت ملی انسان‌ها برای آنها کاری عادی و معمولی شده، طوری که زشتی آن را احساس نمی‌کنند» (بیانات در مراسم مشترک دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۸۴/۹/۳۰).

«کسانی که در نظام سلطه پامال می‌شوند، ملت‌ها هستند؛ منافع و هویت و شخصیت و ارزش‌ها و فرهنگشان نابود می‌شود» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۴/۸/۶).

۱-۲-۶. ایجاد سلطه جهانی (فراگیری نظام سلطه):

این پیامد نظام سلطه مورد تأکید رهبری بوده و در موارد متعددی زوایای آنرا ترسیم نموده اند :

« دولت‌های آمریکا و از همه بیشتر این دولت جنگ‌طلب تندروی افراطی (دولت بوش پسر)، دنبال یک امپراطوری‌اند؛ دنبال یک سلطه‌ی جهانی‌اند. این سلطه، مخصوص خاورمیانه هم نیست ... شرکای اروپایی‌شان هم این را خوب می‌دانند که آمریکا آن روزی که به خاورمیانه و به آسیای میانه و به مناطق حساس دنیا تسلط پیدا کند، دست از سر اروپا هم حتی بر نخواهند داشت» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۷/۲۹).

در نظام سلطه، مراکز سلطه‌ی جهانی به همه‌ی دنیا به چشم طعمه نگاه می‌کنند؛ همه چیز باید در اختیار آنها قرار بگیرد:

«منابع مالی دنیا، منابع ثروت دنیا، بازارها و قدرت کار دنیا؛ نظام سلطه اصلاً پایه‌اش این است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۳/۸/۱۵).

«حقیقت این است که امروز جهان از قطب‌های سلطه تشکیل شده است؛ مجموعه‌هایی که بر روی هم متأسفانه یک نظام سلطه‌ی جهانی را در این

سیاست ژوپی
چیستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



دوران به وجود آورده‌اند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴).

مقام رهبری در یک شمای مبتنی بر سلسله مراتب، روابط ارگانیکی راس نظام سلطه را با اجزاء و عناصر مرتبط با آن را و حتی نسبت این نظام با دولت‌های مزاحم را اینگونه ترسیم می‌کنند:

« آنچه مسلم است، این است که یک نظام سلطه‌ی جهانی وجود دارد که امروز در رأس آن، رژیم امریکا است. .. امروز امریکا منافع خودش را در دنیا تعریف کرده ... منافع آنها عبارت است از ایجاد دنیای یک قطبی؛ یعنی در رأس مجموعه‌ی کشورهای عالم، دولتی به نام دولت امریکا است و در بدنه، انواع و اقسام دولت‌ها هستند؛ بعضی دارای قدرت علمی و پیشرفت‌های علمی و دارای توان نظامی‌اند؛ باید با آنها به نحوی ساخت و در معارضه‌ی با آنها، منافع آنها را بر منافع خود ترجیح داد - این تحلیل امریکایی است - دولت‌هایی هم هستند که از اقتدار نظامی یا اقتدار اقتصادی برخوردار نیستند؛ اسمهایی برای آنها گذاشته می‌شود: کشورهای در حال توسعه، کشورهای - در اصطلاح قبلی - جهان سوم. از همه‌ی فرصت‌های این‌ها که می‌توان برای توسعه‌ی اقتدار امریکا استفاده کرد، باید استفاده کرد. اگر به انرژی آنها احتیاج داریم - نفت آنها، گاز آنها - باید راه را به سمت نفت و گاز آنها به هر کیفیتی باز کرد. اگر به بازار مصرف آنها احتیاج داریم، به هر کیفیتی که ممکن است، باید این راه را به سوی بازار مصرف آنها باز کرد. اگر به حضور سیاسی و اقتصادی در میان آنها نیاز است، باید این راه را گشود. اگر دولت‌های مزاحمی در آن کشورها بر سر کارند، باید آن دولت‌ها را کنار زد. اگر اندیشه‌های مزاحمی در آن کشورها وجود دارد، باید آن اندیشه‌ها را از فضای ذهنی جامعه زدود. اگر شخصیت‌هایی در آن کشورها هستند که می‌شود آنها را خرید، باید خرید. اگر نیروهایی در آن کشورها هستند که می‌شود از آنها به عنوان نیروی فشار علیه دولت‌هایی که با این سیاست مخالفند، استفاده کرد، باید خرج کرد و به کار برد. این

سیاست استکباری است» (بیانات در دیدار جمعی از جوانان استان اردبیل
۱۳۷۹/۵/۵).

ایشان به منظور تبیین بهتر موضوع از تمثیل‌های «اختاپوس خطرناک و سرطان» برای
نشان دادن فراگیری نظام سلطه استفاده می‌کنند» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و
دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰).

۱-۳. مولفه‌های نظام سلطه

رهبری در موارد متعدد مولفه‌های نظام سلطه را در ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و
علمی دانسته‌اند:

«عمده‌ی موضوع‌هایی که قدرت‌های سلطه‌گر در نظام سلطه‌ی جهانی برای
حفظ این رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر رویش تکیه می‌کنند، سه موضوع
است: سلطه‌ی فرهنگی، سلطه‌ی اقتصادی، سلطه‌ی علمی» (بیانات در دیدار
جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱).

در فرازی دیگر معتقدند:

«نفی غرب، به معنای نفی سلطه‌ی غرب است که هم سلطه‌ی سیاسی مورد
نظر است، هم سلطه‌ی اقتصادی و هم سلطه‌ی فرهنگی» (بیانات در جلسه
پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر (روز انقلاب اسلامی و
جوانان) ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

«امروز در دنیا لازمه‌ی این طلب استکباری این شده است که حرکت تند
پرشتابی برای تسخیر زمینه‌های متعدد - که عمده‌اش سه زمینه است:
اقتصاد، سیاست و فرهنگ» (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۱/۳/۷).

بنابراین با ابتنا به اشاره رهبری معظم به ابعاد فرهنگی، اقتصادی، علمی و سیاسی
نظام سلطه این چهار بعد را از منظر ایشان بررسی می‌کنیم.

۱-۳-۱. سلطه فرهنگی

با تامل در دیدگاه‌های رهبری در خصوص ابعاد مختلف سلطه، به نظر می‌رسد



عمیق‌ترین، حقیقی‌ترین، و خطرناک‌ترین آنها سلطه فرهنگی است چرا که این نوع سلطه باورها و اعتقادات انسان را که مهمترین عنصر وجودی و هویتی فرد است را هدف قرار می‌دهد: سلطه‌ی واقعی قدرت‌ها، سلطه‌ی فرهنگی است. یعنی اگر ملتی بتواند فرهنگ و باورها و اعتقادات و رسوم و آداب و عادات خود را، و در مرحله‌ی بالاتر، زبان و خط خویش را در ملت دیگری نفوذ بدهد، بر آن ملت مسلط است و سلطه‌ی او، یک سلطه‌ی حقیقی است. (خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۶۹/۱/۱۰)

از دیدگاه ایشان اگر کشورها حتی از منظر سیاسی و اقتصادی هم مستقل باشد ولی تحت نفوذ فرهنگ نظام سلطه باشند تسلط بر آن کشور آسان است:

«تسلط فرهنگی از تسلط اقتصادی و از تسلط سیاسی هم خطرناک‌تر است. چرا؟ چون وقتی یک ملت بر ملت دیگر تسلط فرهنگی پیدا کرد، هویت ملتی که زیر سلطه است، از بین می‌رود... اگر یک ملت را از تاریخش، از گذشته‌اش، از فرهنگش، از شخصیتش، از مفاخر علمی و دینی و سیاسی و فرهنگی‌اش جدا کردند و از یادش بردند - زبانش را از او گرفتند، الفبایش را از او گرفتند، کتابش را از او گرفتند، سابقه‌ی فرهنگی‌اش را از او گرفتند - این ملت آماده خواهد شد که هر چه می‌خواهند بر سرش بیاورند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴).

امروز مهمترین چیزی که در بلند مدت برای مراکز قدرت سیاسی دنیا مطرح است، سلطه‌ی فرهنگی است... چیزی که به مراکز سلطه‌ی جهانی، اقتدار حقیقی و تضمین شده می‌بخشد، سلطه‌ی فرهنگی است» (بیانات در دیدار اعضای هیأت علمی کنگره امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۱۱/۴).

سلطه فرهنگی از دیدگاه رهبری با شیوه‌ها و روش‌های متعددی انجام می‌گردد:

۱. بکارگیری تحقیر، فشار و زور برای گرفتن زبان، ارزش‌ها، سنتها و ایمان ملت‌ها (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱).

۲. گرفتن هویت ملی، افتخارات، سابقه‌ی تاریخی، چپاول منافع مادی و بطور کلی

هویت فرهنگی و زبان ملت‌ها (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴).

۳. راه دیگر تهاجم فرهنگی غرب است که سلامت جوامع اسلامی، بخصوص جوانان را تهدید می‌کند امواج صوتی، تصویری حامل ابتذال، بدتر و نافذتر از کشتی‌ها و هواپیماهای جنگی، برای سلطه مجدد دشمنان جهانی اسلام، زمینه‌سازی می‌کنند. (پیام به کنفرانس بین‌المجالس اسلامی ۱۳۷۸/۳/۲۵)

۴. شیوه‌های فضای مجازی و تبلیغات. (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱)

۵. اصرار بر «ضد ارزش» نشان دادن روش ایران و امام رضوان‌الله تعالی علیه، در نظر مردم و مسلمین عالم از طریق تبلیغات. (بیانات در دیدار میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۷۱/۳/۱۳)

۶. روش دیگر سیاست قدرت و نظام سلطه‌ی جهانی این بود که دین و معنویت را سیاست‌پوشی بکلی از زندگی مردم حذف کند و جامعه‌ی بشری را یک جامعه‌ی بی‌دین و بی‌ایمان و بی‌اعتقاد به ارزش‌های الهی تربیت نماید. (سخنرانی در مراسم اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۰۳/۱۴)

با این وجود نمی‌توان ادعا کرد که رهبری معظم انقلاب کلیت فرهنگ غرب را رد می‌کنند. ایشان وجه مثبت و مفید آنرا هم می‌پذیرند. اشکال اساسی آنرا سلطه طلبی می‌دانند که در سایر فرهنگ‌ها نیست:

«فرهنگ غرب، مجموعه‌ای از زیبایی‌ها و زشتی‌هاست. هیچ کس نمی‌تواند بگوید فرهنگ غرب یکسره زشت است؛ نه، مثل هر فرهنگ دیگری، حتماً زیبایی‌هایی هم دارد... ما در مقابل هر فرهنگی که قرار می‌گیریم، به‌طور طبیعی تا آن جایی که می‌توانیم، باید محسنات آن را بگیریم و چیزهایی که مناسب ما نیست را رد کنیم... منتها در زمینه‌ی فرهنگ غربی نکته‌ی مهمی وجود دارد که فرهنگ غرب - یعنی فرهنگ اروپایی‌ها - عیبی دارد که فرهنگ‌های دیگر، تا آن جایی که ما می‌شناسیم، آن عیب را ندارند، و آن

سیاست‌پوشی
چپستی
نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



«سلطه‌طلبی» است». (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر روز انقلاب اسلامی و جوانان. ۱۳۷۷/۱۱/۱۳)

۱- ۴. سلطه اقتصادی

ضلع دیگر نظام سلطه، سلطه اقتصادی است. مقام معظم رهبری اجزاء، شاکله و روابط ارگانیکی، کارکرد (استثمار ملت‌ها) و اهداف سلطه اقتصادی را مشخص نموده‌اند. براین اساس ایشان شاکله و اجزاء سلطه اقتصادی را اینگونه ترسیم می‌کنند:

«محور سلطه در دنیا، امروز دستگاه‌های بسیار خطرناک و بسیار بی‌رحمی هستند که مجموعه‌ی کارتل‌ها و تراست‌ها - یعنی شرکت‌ها و کمپانی‌های اقتصادی - را در سرتاسر دنیا تشکیل می‌دهند و بیشترین تسلط را هم این‌ها بر دولت امریکا دارند» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴).

در بیانی دیگر :

«نظام سلطه در واقع زنجیره‌ی از دولت‌ها و قدرت‌هایند؛ اما پشت سر این دولت‌ها، کمپانی‌ها، مراکز اقتصادی و مراکز مالی هستند؛ تعیین‌کننده‌ی سیاست‌ها امروز در نهایت آنها هستند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۳/۸/۱۵).

اهداف و کارکرد این نوع سلطه در تسخیر طلبی و استثمار ملت‌ها خود را نشان می

دهد :

« در نظام سلطه، مراکز سلطه‌ی جهانی به همه‌ی دنیا به چشم طعمه نگاه می‌کنند؛ همه چیز باید در اختیار آنها قرار بگیرد: منابع مالی دنیا، منابع ثروت دنیا، بازارها و قدرت کار دنیا؛ نظام سلطه اصلاً پایه‌اش این است» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۳/۸/۱۵)

«تسلط دستگاه‌های استکباری سودجوی قدرت‌طلب زرسالار عالم بر آن حکومت (آمریکا) از همه‌جا بیشتر است و همه‌ی ابزارهای علمی و تسلیحاتی و سیاسی آن دولت در راه استثمار ملت‌ها به کار می‌رود» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴).

ساست‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



«مجموعه‌ی دستگاه‌های اقتصادی و کانون‌ها و بنگاه‌های فعال در شکل دادن اقتصاد کشورها و اقتصاد جهان که به دنبال افزایش ثروت و کسب ثروت هستند، کارشان به طور طبیعی این را ایجاب می‌کند و دنبال آن، حالت تسخیرطلبی وجود دارد و امروز اظهار هم می‌شود» (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۱/۳/۷).

«امروز در بخش قدرتمندی از جهان یک انگیزه‌ی قوی وجود دارد که متوجه فتح و تسخیر همه‌ی امکانات جهانی و روی زمین است» (بیانات در دیدار نمایندگان مجلس ۱۳۸۱/۳/۷).

نکته اساسی که از اظهارات مذکور می‌توان فهمید این است که بانیان نظام سلطه اساساً کارتل‌ها، تراست‌ها و شرکت‌های عظیم مالی و سرمایه‌ای هستند که حتی دولت‌ها بازیچه آنهایند. به عبارت دیگر بین این سرمایه‌داران و زرسالاران و حاکمان سیاسی تفکیک وجود دارد. صهیونیسم بین الملل از بانیان اصلی و بلکه عروسک گردان مقامات آمریکایی و اروپایی است. همان چیزی که در سطور قبل از آن به سلطه شبکه صهیونیستی از منظر رهبری انقلاب یاد شد. چنین مجموعه‌ای چون بر مبنای فرهنگ دنیاطلبی و مادی‌گرایی و سودآوری استوار است، ذاتاً سلطه‌گر است.

سلطه اقتصادی از منظر ایشان نه تنها توسعه و رفاه اقتصادی را برای کشورهای تحت سلطه به ارمغان نیاورده است بلکه ثروت‌های طبیعی و داشته‌ها و سرمایه‌های ملی آنها را نیز گرفته است:

«کشورهای تحت سلطه هرگز یک اقتصاد درست و حسابی نداشته‌اند. گاهی یک رونق ظاهری داشته‌اند، که می‌بینید در بعضی از کشورهای تحت سلطه رونق ظاهری دارند؛ اما ساخت اقتصادی خراب است؛ یعنی اگر یک شیر را رویشان ببندند؛ یک حساب را مسدود کنند، یا تصرف اقتصادی کنند، همه چیز فروخواهد ریخت و نابود خواهند شد» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱).



در همین راستا معتقدند:

« ابزار سلطه یک ملت فقیر را به صاحب ثروت کلان تبدیل می‌کند؛ اما ملت‌هایی را که از ثروتهای بزرگ طبیعی برخوردارند، به کشورهایی که به نان شبشان محتاجند، تبدیل می‌نماید» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم اراک ۱۳۷۹/۸/۲۴).

بنابراین چون ماهیت و بنیاد نظام سلطه مبتنی بر منفعت طلبی، سودپرستی و انحصارگری است، نمی‌تواند عملاً سیاست‌های اصولی و ساختاری واقعی را در کشورهای تحت سلطه با هدف توسعه و پیشرفت حقیقی آنها به اجرا گذارد.

۱- ۵. سلطه علمی

سلطه علمی سویه بسیار مهم نظام سلطه است که اساس این نظام با تاسی به پیشرفت‌های علمی شکل گرفته است. مقام معظم رهبری بهره‌گیری از علم و فناوری غرب را نفی نمی‌کنند بلکه هدف شوم انحصارطلبی و استمرار این انحصار و عقب ماندگی علمی را در مورد کشورهای کمتر توسعه یافته دنبال می‌کند:

«نفی غرب، به هیچ وجه به معنی نفی فناوری و علم و پیشرفت و تجربه‌های غرب نیست و هیچ عاقلی چنین کاری را نمی‌کند» (بیانات در جلسه پرسش و پاسخ با جوانان در دومین روز از دهه فجر روز انقلاب اسلامی و جوانان ۱۳۷۷/۱۱/۱۳).

از منظر ایشان :

« نظام سلطه‌ی جهانی همیشه کوشیده است که بوسیله‌ی عوامل تبلیغی خود، احساس حقارت و ناتوانی و نیاز را در ملت‌هایی که از قافله‌ی علم و فناوری عقب مانده‌اند، تقویت کند و آنان را همیشه نیازمند خود نگاهدارد» (پیام به گردهمایی ویژه‌ی دانشگاهیان و دانشجویان در تجلیل از حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۷۸/۳/۱۲).

معتقدند:

سایت شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



« وضع امروز دنیا این است که قدرت‌هایی که دارای پیشرفت علمی هستند، سعی می‌کنند این پیشرفت را به صورت انحصاری نگه دارند. شماها خوب می‌دانید، بخش‌هایی از دانش در کشورهای پیشرفته‌ی غربی هست که مطلقاً اجازه‌ی دسترسی به آن‌ها به کسانی خارج از محدوده‌ی خودشان داده نمی‌شود؛ یعنی اختصاصی است. مثل این سندهائی که وقتی کهنه شد، منتشرش می‌کنند؛ دانشی هم که در اختیار آن‌هاست، وقتی از آن مرحله‌ی اهمیت و درجه‌ی اولی افتاد، آن وقت اجازه می‌دهند دیگری دست پیدا کند؛ آن وقتی که خودشان به یک مرحله‌ی بالاتری رسیده باشند. این جوری‌اند و در زمینه‌ی علم، انحصارطلبند». (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵).

عقب ماندگی کارکرد انحصار علمی است که رهبری متذکر می‌شوند:

« یکی از کارهایی که نسبت به کشورهای تحت ستم استعمار انجام گرفت، یاست‌پژوی این بود که این‌ها را در عقب‌ماندگی علمی نگه داشتند؛ هم عملاً مانع پیشرفت این‌ها شدند، هم روحاً این‌ها را تضعیف کردند تا احساس کنند قادر نیستند» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ۱۳۸۴/۷/۲۱).

ایشان دشمنی و ناراحتی نظام سلطه از ایران را از یک منظر پیشرفت‌های علمی ایران می‌دانند:

« دستگاه سلطه نمی‌خواهد؛ نمی‌پسندد که غیر از محدوده‌ی خودشان، قدرت فناوری و قدرت علمی، آن هم به صورت مستقل و ناوابسته، در اختیار ملت‌ها قرار بگیرد. حالا که می‌بینند یک ملت بدون تکیه به آنها توانسته است یک فناوری فاخر علمی را به دست بیاورد، ناراحتند» (بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۸/۱۱).

بنابراین نظام سلطه با تلقین حقارت و ناتوانی و نفی خودباوری کشورهای تحت سلطه هم از رشد علم و فناوری در آنها جلوگیری می‌کند و هم عملاً انحصار علم را برای خود نگه می‌دارد. کم نیستند دانشگاه‌ها و مراکز علمی در غرب که دانش و علم

را به آسانی در اختیار دانشجویان غیر بومی قرار نمی دهند. از دیدگاه غرب، تکنولوژی یک ابزار است و نه دستاورد بشری. ابزاری که انحصاری کردن آن نه تنها وابستگی کشورهای عقب مانده را تضمین می کند بلکه از ابعاد سخت افزاری و نرم افزاری منبع و تولید کننده قدرت است. رهبری این سویه علم و تکنولوژی را نیز بر رابطه بین سلطه گر و سلطه پذیر مطرح می کنند:

« یکی از موضوع‌هایی که نمی‌گذارند در کشورهای زیر سلطه رشد کند و بشدت مانع آن می‌شوند، مسأله‌ی علم است؛ چون می‌دانند علم ابزار قدرت است. خود غربی‌ها با علم به قدرت رسیدند... از علم به صورت یک ابزار برای اقتدار و کسب ثروت و گسترش سلطه‌ی سیاسی و جذب ثروت ملت‌ها و تولید ثروت برای خودشان استفاده کردند و از آن ثروت باز تولید علم کردند و علم را بالا بردند و دانش خودشان را رشد دادند. آنها می‌دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطه‌ی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آنها مایلند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که برو برگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱/۴/۱۳۸۳).

اینجاست که کسب علم بعنوان میراث مشترک و تجربه بشری در نظام بین الملل مبتنی بر روابط نابرابر و سلطه‌گری اهمیت زیادی می‌یابد که حتی باید برای دسترسی، الگوبرداری و بومی کردن آن جهاد کرد.

۱-۶. سلطه سیاسی

منظور از سلطه سیاسی حفظ و استمرار وابستگی کشورهای جهان به قطب‌های سرمایه داری و قدرت‌های برتر است و طبیعت استکباری سلطه چنین هدفی را دنبال می‌کند. البته در بحث سلطه منظور رهبری سلطه مستقیم و استعمار قرن نوزدهمی که عمدتاً از

طریق مداخله نظامی و اشغال کشورها و الحاق آنها به به سرزمین کشور استعمارگر نیست. شیوه سلطه‌گری در جهان امروز مدرن و مبتنی بر دستاوردهای علمی و سیاسی روز دنیاست. شیوه ای که ظاهراً استقلال کشور تحت سلطه حفظ می‌شود اما وابستگی اقتصادی، سیاسی و عقب ماندگی علمی از طریق روابط ظاهراً متعارف سیاسی استمرار می‌یابد. از منظر فرهنگی نیز ترویج و تبلیغ ارزش‌های غربی و هنر کالایی شده غرب تحت عنوان تبادلات و تعاملات فرهنگی گسترش می‌یابد. از نظر رهبری هر ملتی و هر نظامی که مقاومت نکند اسیر خواهد شد و در کمند آنها خواهد افتاد. ایشان زورگویی را مهم‌ترین مشخصه سلطه سیاسی می‌دانند. (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۵/۳/۶)

ایشان معتقدند:

سیاست‌پژوی
چیستی
نظام سلطه و چگونگی
مقابله با آن (از دیدگاه
مقام معظم رهبری)

« نظام استکبار، نظام زورگویی، نظام ظلم؛ البتّه از قدیم هم همین نظام‌ها بوده است، منتها امروز مدرن شده است، با تجهیزات نو مجهّز شده. قدرت‌های برتر به ملت‌ها زور می‌گویند؛ اینزور گفتن هم حد و اندازه‌ای ندارد؛ اگر اموالی دارند، می‌گیرند؛ اگر نیروی انسانی قابلی دارند، از آنها می‌دزدند؛ اگر استعدادی در آنها هست که آنها را تهدید می‌کند و رقیب برای آنها می‌تراشد، آن استعداد را خفه میکنند؛ زورگویی انواع و اقسامی دارد. امروز این زورگویی در دنیا وجود دارد؛ نظام بین‌الملل جهانی که اسمش را گذاشته‌اند جامعه‌ی جهانی، یعنی نظام زور گویی؛ (بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم السلام ۱۳۹۵/۱/۱۱).

مقام معظم رهبری خاورمیانه را بعنوان نمونه‌ای از یک منطقه جغرافیایی که روابط مبتنی بر سلطه سیاسی در آنجا کاملاً بارز است چنین توضیح می‌دهند:

« اینها امروز اهدافی دارند، کارهایی دارند، مقاصدی دارند در این منطقه؛ یک بخش از این مقاصد عبارت است از تقویت پایگاه استکباری رژیم صهیونیستی در این منطقه، یک بخش آن عبارت است از تصرف همه‌ی



منافذ و منابع قدرت در منطقه که دولت‌ها و حکومت‌ها بیابند زیر چتر آنها، از امکانات این‌ها استفاده کنند؛ فرمانروایی بر منطقه، اما امروز نتوانسته‌اند» (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱).

از نظر رهبری سلطه‌گر اصلی صهیونیسم بین الملل است که سلطه سیاسی اروپایی‌ها و حتی آمریکا را هم در نوردیده است:

«امروز بسیاری از مشکلاتی که در کشورهای اروپائی، مثل انگلیس، مثل فرانسه، مثل آلمان، مثل ایتالیا وجود دارد، ناشی از این است که سیاست‌های شبکه‌ی خبیث صهیونیستی بر دولت‌های این کشورها حاکم است. این‌ها از سرمایه‌داران و کمپانی‌داران صهیونیست که در دنیا زیادند، چشم می‌زنند و حساب می‌برند. در آمریکا هم همین جور است. تملق‌گویی به صهیونیست‌ها، یک شیوه‌ی معمول در بین قدرتمندان آمریکاست» (بیانات در دیدار دانشجویان کرمانشاه ۱۳۹۰/۷/۲۴).

«دست‌های پنهان و خبیث صهیونیست‌هاست، که سیاستمداران دنیای سلطه را بازیچه‌ی خود دارند و مطبوعات و رسانه‌های فراوانی هم در اختیار آنهاست؛ همان‌هایی که امروز بر دولت کثونی آمریکا به کلی حاکمند و در اروپا هم فعالیت می‌کنند» (بیانات در دیدار پرسنل نیروی هوایی ۱۳۸۴/۱۱/۱۸).

به نظر می‌رسد بتوان دو گونه شیوه سلطه‌گری را در بیان رهبری تشخیص داد. یک نوع سلطه خاصیت بیرونی دارد به این معنا که در راس نظام سلطه یک دولت قدرتمند مانند آمریکا وجود دارد و بقیه به نسبت جایگاه و توان سیاسی اقتصادی کم و بیش به او وابسته‌اند. اما نوع دیگر سلطه وابستگی درونی است. در این وضعیت بحث دولت‌ها مطرح نیست بلکه صهیونیسم بین الملل با همه توان مالی و سیاسی خود بسان یک شبکه اختاپوسی فراگیر سلطه‌گر واقعی است. سیاستمداران و دولتمردان آمریکا و سران اروپا نیز دست‌نشانده و مجری سیاست‌های سلطه‌گرانه صهیونیست‌ها هستند.

سلطه سیاسی از نظر رهبری فراگیر و جهانی است و می‌تواند به هم پیمانان کشور

سلطه‌گر نیز سرایت کند چرا که روحیه و خوی استکباری و سلطه‌گری منبعث از یک فرهنگ مادی و دنیا‌گرایانه بطور طبیعی چنین مسیری را طی می‌کند:

« سلطه‌گران و متجاوزان بین‌المللی به نحو دیگری در فکر این هستند که به هر نقطه‌ای از نقاط عالم که میتوانند، دست بیندازند و منافع نامشروع خودشان را تأمین کنند، ولو به قیمت نابود کردن هویت و عزت ملت‌ها» (بیانات در جمع مردم و کارکنان صنعت نفت عسلویه ۱۳۹۰/۱/۸).

ایشان در همین راستا معتقدند:

«دولت‌های امریکا و از همه بیشتر این دولت جنگ‌طلب تندروی افراطی (دولت بوش پسر)، دنبال یک امپراطوری‌اند؛ دنبال یک سلطه‌ی جهانی‌اند. این سلطه، مخصوص خاورمیانه هم نیست. البته حالا خاورمیانه مطرح است؛ اما این‌ها به خاورمیانه هم قانع نیستند. شرکای اروپایی‌شان هم این را خوب می‌دانند که امریکا آن روزی که به خاورمیانه و به آسیای میانه و به مناطق حساس دنیا تسلط پیدا کند، دست از سر اروپا هم حتی برنخواهند داشت» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه‌ی تهران ۱۳۸۴/۷/۲۹).

مواردی از تنش و اصطحکاک را گاه در روابط بین ایالات متحده و برخی کشورهای اروپایی که داعیه استقلال بیشتری دارند (فرانسه و آلمان) را بر سر مسائل سیاسی اروپا و جهان شاهدیم. آمریکایی‌ها اگر چه خواهان مشارکت بیشتر اروپا در نظم امنیتی و روابط اقتصادی جهان است اما به هیچ وجه مایل به نقش‌آفرینی نظامی این کشورها در مناطق مختلف جهان، مستقل از ایالات متحده نیستند. دست برتر آمریکا در سازمان آتلانتیک سیاسی (ناتو) نشانه‌ای از این مدعاست.

سلطه‌گری سیاسی گاه به بهانه ترویج ارزش‌های مطلوب بشری مانند آزادی، امنیت و دموکراسی اعمال می‌گردد: « آنها خودشان را صاحب حق می‌دانند که در همه‌ی کارهای ملت‌های عالم دخالت کنند. یک جا دخالت می‌کنند و می‌گویند: می‌خواهیم دموکراسی را به آن‌جا ببریم! یک جا دخالت می‌کنند و می‌گویند: می‌خواهیم از نفوذ موج



چپ یا تفکر چپ در آن جا جلوگیری کنیم! یک جا دخالت می‌کنند و می‌گویند: می‌خواهیم امنیت آن جا را حفظ کنیم! یک جا دخالت می‌کنند و می‌گویند: منافع ما در آن جا به خطر افتاده است! آنها خودشان را صاحب دنیا می‌دانند؛ کأنه تأمین دموکراسی ملت‌ها و دولت‌ها هم به عهده‌ی آنهاست! (بیانات در دیدار فرمانده و جمع کثیری از پرسنل نیروی هوایی ارتش ۱۳۶۸/۱۱/۱۹).

تجربه حداقل دو دهه گذشته ثابت کرده است که سلطه گران در ترویج ارزش‌های مذکور صداقت نداشته‌اند. از یک طرف داعش را به جان دموکراسی نوپای کشور عراق می‌اندازند و از طرف دیگر حقوق بشر و دموکراسی در برابر سرمایه و پول نفت عربستان سعودی رنگ می‌بازد و به فراموشی سپرده می‌شود. بر این اساس ارزش، قاعده، قانون و احترام به کرامت انسان‌ها جایش را به «قلدری» می‌دهد و رهبری آمریکا را مظهر آن می‌دانند:

«امروز به‌طور مشخص، مظهر قدرت‌نمایی قلدران دنیا، امریکا است. (بیانات در دیدار میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی(ره) ، ۱۳۱۱/۰۳/۱۳)

۲- علل شکل‌گیری نظام سلطه

۲-۱. سوء استفاده از علوم و دانش جدید

از نظر مقام معظم رهبری مهمترین عاملی که موجب شکل‌گیری نظام سلطه گردید سوء استفاده از علم بود. رشد و توسعه علمی در غرب به قدرتمندی و توانایی نظامی، اقتصادی و سیاسی آنها انجامید و پدیده استعمار را بوجود آورد و شکل‌گیری نظام سلطه در ابعاد مختلف آن حاصل گسترش استعمار بود. بنابراین یک رابطه خطی بین گسترش علوم جدید بعد از رنسانس و نظام سلطه وجود دارد. ایشان این سوال را مطرح می‌کنند:

« به چه وسیله آمریکا به اینجا رسید؟ چه طور توانست اینجور به دنیا

ساست‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



۲۳۶

زورگویی کند؟ چون دانش داشت و از دانش استفاده کرد. غربی‌ها در این مسابقه‌ی جهانی که در طول تاریخ وجود داشته، سوء استفاده کردند... اما یک نکته‌ی مهمی است که از زمانی که غربی‌ها جلو افتادند (از نظر علمی)، از این برتری علمی، برای مقاصد سیاسی و اقتصادی سلطه‌گرانه استفاده کردند؛ استعمار به وجود آمد. استعمار قبلاً وجود نداشت... اینها کشورهای استعمارگر اروپایی) از قدرت پیشرفت علمی و توانایی علمی شان، استفاده‌ی سیاسی کردند؛ یعنی استعمار را به وجود آوردند. وقتی استعمار به وجود آمد، سرنوشت آن ملت استعمارزده در دست آن ملت استعمارگر قرار گرفت... این سوء استفاده‌ی از علم بود» (بیانات در دیدار نخبگان جوان دانشگاهی ۱۳۸۷/۶/۵).

« این‌ها سعی کردند علم را انحصاری کنند؛ سعی کردند این وسیله‌ی پیشرفت و سیادت را برای خودشان نگه دارند و از آن حد اکثر استفاده را برای خودشان نگه دارند... این سوء استفاده‌ی از علم بود» (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه ۱۳۸۴/۷/۲۱).

به نظر ایشان:

« از دورانی که مسئله‌ی استعمار در دنیا شروع شد - یعنی از قرن نوزدهم - که آرام آرام از حدود دویست سال قبل تقریباً مسئله‌ی استعمار یعنی دست‌اندازی به کشورهای دیگر از سوی قدرت‌هایی که می‌توانستند دست‌اندازی کنند، شروع شد، نظام سلطه سرکار آمد؛ یعنی دنیا تقسیم شود به دو بخش؛ یک بخش گردن‌کلفت و زورگو و سلطه‌گر، یک بخش ضعیف و توسری‌خور و سلطه‌پذیر» (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) ۱۳۸۷/۴/۴).

در موارد زیادی مقام رهبری رابطه بین رشد علم بعنوان متغیر مستقل و پدید آمدن استعمار و نظام سلطه را بعنوان متغیرهای وابسته به آن را مطرح نموده‌اند که به دلیل مشابهت به همین اندازه بسنده می‌شود.



قبلا اشاره شد که نظام سلطه اگرچه کم و بیش هنوز دخالت نظامی را در دستور کار دارد اما امروزه امر سلطه‌گری به شیوه‌های جدید اعمال می‌شود:

« هرچه استعمار پیش رفته، نظام سلطه تقویت شده است. با امکانات جدید و وسایل ارتباطی سریع و فوق‌العاده‌یی که وجود دارد و امکانات نظامی و پولی و تبلیغاتی و غیره» (بیانات در دیدار کارگزاران نظام ۱۳۸۳/۸/۶).

۲-۲. رشد یک بعدی و بدور از معنویت غرب

از نظر رهبری:

«غربی‌ها کارخانه‌ها را زیاد کردند، چرخ‌های گردنده را زیاد کردند، دامنه‌ی علم را گسترش دادند؛ اما عدالت اجتماعی را نتوانستند تأمین کنند. اخلاق انسانی به انحطاط کشیده شده... امروز بحران اخلاقی گریبان‌گیر لیبرال دموکراسی غرب است. امروز بحران جنسی، بحران اقتصادی، بحران اخلاقی، بحران خانوادگی، رفتاری‌های همان کشورهایی است که از لحاظ علمی چشم‌تاریخ را خیره کردند از پیشرفت‌های خودشان. بشر سعادت‌مندی‌اش به این نیست که دانش او پیشرفت کند- دانش ابزار سعادت است- سعادت بشر به آسایش فکر است، به آسایش روح است، به زندگی بی‌دغدغه است، به زندگی همراه با امنیت اخلاقی و معنوی و مادی است، به احساس عدالت در جامعه است. این را غرب ندارد؛ نه اینکه ندارد، روز به روز هم از او دارد دورتر می‌شود» (بیانات در دیدار مردم یزد ۱۳۸۶/۱۰/۱۲).

تاریخ توسعه غرب نشان می‌دهد که توسعه و ترقی مسیری یک بعدی را پیموده است. غرب در وجه سخت‌افزاری و مادی مدرنیت به منظور ارضاء نیازهای نفسانی و دنیایی انسان به سرعت و به طرز فراگیری پیش رفته است اما وجه‌رهایی بخش و معنویت‌گرای آن تا حد زیادی مورد غفلت و در مواردی در حد شعار و در راستای منافع سلطه‌طلبانه خود استفاده کرده است. بدیهی است اگر غرب بعد‌رهایی بخش و معنوی مدرنیت ادعایی خود را بدور از غرض‌ورزی نهادینه می‌نمود، حداقل

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



سلطه‌گری به این شدت و فراگیری نبود.

۲-۳. به فراموشی سپردن و نقض به اصطلاح ارزش‌های آمریکایی نیز عامل دیگر سلطه‌گری

مقام معظم رهبری ضمن نگاه انتقادی به بسیاری از آنچه که آمریکایی‌ها ارزش‌های خودشان می‌خوانند، نقض حداقل ارزش‌های مثبت آنها توسط دولتشان را عامل دیگری برای سلطه‌گری می‌دانند:

« بنیان‌گذاران آمریکای مستقل، در قرن هجدهم ... ارزش‌هایی را گذاشتند؛ اسم این‌ها ارزش‌های آمریکایی است. خود آن ارزش‌ها در مقام ارزیابی، خیلی‌هایش چیزهای مشکل‌داری است؛ همان چیزهایی است که منتهی می‌شود به این وضعیّت جهان‌خوارگی امروز نظام سلطه؛ لکن همان ارزش‌ها - همان چیزهایی‌اش هم که مثبت است، همان چیزهایی‌اش هم که خوب است - امروز در جامعه‌ی آمریکایی نظام سیاسی آمریکای امروز، به فراموشی سپرده شده. ... حرف‌هایی که آنها زدند و منشوری که آنها تدوین کردند به‌عنوان منشور آمریکایی و ارزش‌های آمریکایی ... خیلی‌هایش نقض شده است ... این‌ها امروز در رفتار دولت آمریکا و رژیم ایالات متّحده‌ی آمریکا وجود ندارد» (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۱۳۹۴/۴/۲۰).

سیاست خارجی ایالات متحده در دوره پس از استقلال از سه مکتب: هامیلتونیسیم (برگرفته از اندیشه‌های الکساندر هامیلتون وزیر خزانه‌داری جرج واشنگتن) جکسونیسیم (برگرفته از اندیشه‌های اندرو جکسون هفتمین رئیس‌جمهور آمریکا) و ویلسونیسیم (متأثر از اندیشه‌های توماس ویلسون بیست و هشتمین رئیس‌جمهور آمریکا) متأثر بوده است. هر سه این مکاتب علی‌رغم تفاوت در اهداف و روش‌ها بر اصل ارزش‌های آمریکایی اشتراک نظر دارند. آنها ترویج ارزش‌های آمریکایی در جهان را بخاطر کسب منافع زود گذر دنبال نمی‌کنند بلکه برای آمریکایی کردن جهان انجام می‌دهند، حتی اگر به مداخله نظامی بینجامد (فادری کنگاوری، ۱۳۸۹:

سیاست‌پژوی
نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



از نگاه آمریکایی‌ها آزادی، استقلال و دموکراسی از ارزش‌های آمریکایی هستند. در اصل اول قانون اساسی ایالات متحده اصل - حاکمیت مردم و محدودیت اختیارات حکومت - گنجانده شده است (عالیخانی، ۱۳۸۱ : ۱۹۳). اما در دهه‌های اخیر اگر حقوق بشر، نظم نوین جهانی و یا گسترش دموکراسی را برای مداخله در نقاط مختلف جهان بهانه قرار داده اند، عملاً جز گسترش تروریسم و تثبیت رژیم‌های خودکامه اثری نداشته است.

۳. راه حل‌هایی از نظام سلطه.

۳-۱. تکیه بر توحید و ایمان دینی بعنوان مهمترین عامل غلبه بر نظام سلطه

ماهیت اسلام بعنوان دین توحیدی سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را بر نمی‌تابد. برپایه این آموزه اصیل قرآنی «لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ» رهبری انقلاب معتقدند:

«اسلام، دین توحید است و توحید یعنی رهایی انسان از عبودیت و اطاعت و تسلیم در برابر هر چیز و هرکس به جز خدا؛ یعنی گسستن بندهای سلطه‌ی نظام‌های بشری؛ یعنی شکستن طلسم ترس از قدرت‌های شیطانی و مادی؛ یعنی تکیه بر اقتدارات بی‌نهایتی که خداوند در نهاد انسان قرارداده و از او بکارگیری آنها را همچون فریضه‌ی تخلف‌ناپذیر، طلب کرده است» (پیام به مناسبت اولین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۰)

رهبری علت موفقیت نظام اسلامی در برابر سلطه‌گران را در همین عامل می‌دانند:

«اگر اسلام نبود، ایمان به خدا نبود، ایمان به معارف اسلامی نبود، تعهد و پایبندی به وظایف دینی نبود، نظام جمهوری اسلامی هم مثل دیگران میرفت زیر چتر همین نظام سلطه و قدرت استکباری آمریکا و غیر آمریکا؛ همچنان که دیگران رفتند» (بیانات در دیدار ائمه جماعات مساجد استان تهران ۱۳۹۵/۵/۳۱).



این اصل همان هویت اصیل اسلامی است که ملل مسلمان باید به آن باز گردند :
«امت اسلامی نباید بگذارد. نخبگان سیاسی و فرهنگی نباید اجازه دهند که دشمنان کشورهای اسلامی بر عزم ملت‌های مسلمان فاتق بیایند. امروز روزی است که ملت‌های مسلمان به هویت اصیل و اسلامی خودشان برگردند. آنچه در درون ما از نیرو و عظمت و شکوه وجود دارد، ناشی از ایمان به اسلام و اعتقاد به قدرت پشتیبان الهی و اتکال به خدای متعال است؛ این است آن قدرتی که هیچ قدرتی بر آن فاتق نمی‌آید؛ این را بایستی هرچه بیشتر در دل خودمان، در عمل خودمان تجلی ببخشیم» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۰/۶/۹).

۳-۲. ایستادگی و مبارزه با نظام سلطه

ایشان جمهوری اسلامی ایران را نمونه‌ای موفق از مقاومت در برابر نظام سلطه می‌دانند.

«صاحب‌نظران سیاسی عالم و افکار عمومی بسیاری از ملت‌ها، بوضوح تشخیص می‌دهند که عامل این خصومت تمام‌نشدنی، ماهیت و هویت جمهوری اسلامی ایران است که برخاسته از انقلاب اسلامی است. ایستادگی بر مواضع بر حق اسلامی در مخالفت با نظام سلطه و استکبار، ایستادگی در برابر زیاده‌طلبی و دست‌اندازی به ملت‌های ضعیف، افشای حمایت آمریکا از دیکتاتورهای قرون وسطائی و سرکوب ملت‌های مستقل، دفاع بی‌وقفه از ملت فلسطین و گروه‌های مقاومت میهنی، فریاد منطقی و دنیاپسند بر سر رژیم غاصب صهیونیست» (نامه رهبر انقلاب به رئیس‌جمهور درباره الزامات اجرای برجام ۱۳۹۴/۷/۲۹)

«دشمنی دشمنان ما به‌خاطر این است که نظام جمهوری اسلامی در مقابل نظام سلطه ایستاده است؛ در مقابل عادت بد تقسیم دنیا به سلطه‌گر و سلطه‌پذیر ایستاده است» (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام ۱۳۹۳/۲/۳۱).

یاست‌پژوهی

چستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



« چون ملت در مقابل این نظام سلطه تسلیم نشده، فشار می‌آورند که تسلیمش کنند» (بیانات در دیدار شرکت‌کنندگان در ششمین همایش ملی نخبگان جوان ۱۳۹۱/۷/۱۲).

۳-۳. نفی کلیشه‌های تحمیلی نظام سلطه

رهبری تحت عنوان کلیشه‌های تحمیلی مفاهیمی را در نظر دارند که ظاهراً جا افتاده و معتبرند:

« یک تفکراتی، یک مفاهیمی از سوی تبلیغات پُرحجم نظام سلطه، به‌طور شبانه‌روزی در سرتاسر عالم دارد پراکنده می‌شود؛ یکی از مهم‌ترین مسائل این است که ما باید اسیر نشویم» (بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۹۴/۶/۱۲).

معمولاً غربی‌ها با عبارات و مفاهیمی چون حقوق بشر، آزادی خواهی، دموکراسی، صلح و امنیت، عدالت و برابری، حقوق فردی و اجتماعی، و واژه سازی‌های دموکرات مآبانه و پر معنی دائماً وانمود می‌کنند که محل تولید و اشاعه این‌ها غرب است.

۳-۴. به میدان آمدن ملت‌ها، نخبگان و دولت‌ها

رهبری مهمترین نیرو برای مقابله با نظام سلطه را ملت می‌دانند:

« اگر ملت‌ها وارد میدان بشوند با یک هدف مشخص، با شعارهای مشخص، و اگر آن ایمان راسخ در دل و همچنین عمل صالح در کنار این ایمان راسخ وارد میدان شود، هیچ مانعی در مقابل آنها قادر بر مقاومت نیست» (بیانات در دیدار اعضای ستاد بزرگداشت ۹ دی ۱۳۹۰/۹/۲).

« عزم ملت‌ها و ایمان ملت‌هاست که حرف آخر را می‌زنند» (بیانات در دیدار فرماندهان و کارکنان نیروی هوایی ارتش ۱۳۸۷/۱۱/۱۹).

رهبری علاوه بر ملت‌ها نخبگان را هم مسئول مبارزه با نظام سلطه می‌دانند:

«اگر سلطه‌گر وجود نداشته باشد، نظام سلطه از بین خواهد رفت، اگر سلطه‌پذیر هم سلطه‌ی دشمن و سلطه‌گر را نپذیرد، باز این نظام به هم

خواهد خورد. اینجاست که تکلیف، تکلیف ملت‌هاست؛ در میان ملت‌ها هم، تکلیف، تکلیف نخبگان است؛ نخبگان سیاسی، نخبگان فرهنگی» (بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی ۱۳۹۱/۳/۲۹)

با این وجود رهبری نقش دولت‌ها را هم بی تاثیر نمی‌دانند ولی کارایی آن را در همراهی ملت‌ها می‌دانند

« دولت‌ها هستند که اگر چنانچه پشتیبانی ملت‌هایشان را داشته باشند، می‌توانند حرفی بزنند و این حرف در دنیا مطرح بشود » (بیانات در دیدار جمعی از مداحان اهل بیت علیهم‌السلام ۱۳۹۵/۱/۱۱).

در نظر رهبری مبارزه ملت‌ها دو وجه دارد، هم سلبی است و هم ایجابی. از منظر سلبی ملت‌ها و نخبگان باید با سلطه موجود و سیطره یافته مبارزه کنند تا آن را ریشه کن کنند. از منظر ایجابی ملت‌ها چنان باید به سلاح ایمان و آگاهی و علم مجهز باشند که عملاً سلطه‌گری را نپذیرند.

۳-۵. تقویت بنیه درونی (نیروی نظامی)

« نیروهای مسلح باید نیرومند باشند. دنیا، دنیای تجاوزگری است؛ دنیای محکوم سیاست سلطه است. انگیزه‌ی سلطه‌طلبی در سلطه‌گران عالم، در نظام‌های مستکبر، به همه‌ی ملت‌ها هشدار میدهد که ساخت درونی خود و آمادگی‌های لازم را برای تقویت این ساخت به وجود بیاورند و تقویت کنند» (بیانات در مراسم نظامی مشترک یگان‌های نیروهای مسلح استان فارس ۱۳۸۷/۲/۱۲).

۳-۶. پاسداشت استقلال در همه ابعاد آن

« اگر این ملت بخواهد این استقلال سیاسی را، این عرض‌اندام فرهنگی را در مقابل سلطه‌گران عالم حفظ کند، باید پایه‌های اقتصادی خود را محکم کند؛ این، ریشه دواندن استقلال در کشور است؛ و این وابسته است به تولید، به کار، به شکوفائی کار، به نوآوری در بخش‌های مختلف کار... آن

سیاست‌پژوهی

چستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



وقت است که دشمنان خونخوار و هتاک استقلال ملت ایران با ناکامی دهان های خودشان را خواهند بست و کناری خواهند نشست» (بیانات در دیدار کارگران و کارآفرینان ۱۳۸۷/۲/۴).

استقلال وجه ایجابی نیز دارد :

«سعادت در یک جامعه عبارت است از این که آن جامعه بتواند مستقل زندگی کند، بیندیشد، سازندگی کند، در کمال استقلال راه خود را برود و هدف خود را انتخاب کند» (بیانات در دیدار جمعی از دانش‌آموزان و دانشجویان ۱۳۷۴/۸/۱۰).

از دیدگاه رهبری می توان استنباط کرد که آسیب‌های ناشی از نبودن استقلال بسیار عظیم و نافی هویت یک ملت است چون تسلط قدرت خارجی از دیدگاه ایشان:

«هویت ملی را از مردم آن کشور می‌گیرد؛ افتخارات را از آنها می‌گیرد؛ سابقه‌ی تاریخی را از آنها می‌گیرد؛ منافع مادی آنها را چپاول می‌کند؛ هویت فرهنگی و زبان آنها را هم می‌گیرد» (بیانات در اجتماع بزرگ مردم قم ۱۳۷۹/۷/۱۴).

«هر چیزی که بتواند یک ملت را به استقلال و به اقتدار ملی و خودجوش و درون‌زا برساند، آن چیز مغبوض مراکز قدرتی است در دنیا که همه‌ی دنیا را برای خودشان می‌خواهند» (بیانات در خطبه‌های نماز جمعه ۱۳۸۳/۸/۱۵).

بنابراین استقلال پایدار و همه جانبه و متکی بر داشته‌های درونی از یک سو دست اندازی بیگانگان به منابع و تسلط بر حاکمیت ملت‌ها را سد می‌کند و از دیگر سو سعادت واقعی و توانمندی درون‌زا را تضمین و از هویت ملت‌ها صیانت می‌کند.

۳-۷. نفی تسلیم و سازش با نظام سلطه

«هر ملتی، اگر تسلیم سلطه‌ی قدرت‌های بزرگ عالم شد، از دست رفته است. هر ملتی، اگر حاضر شد از شرف ملی، اقتدار ملی و اراده‌ی ملی چشم‌پوشد، در ورطه‌ی ضعف بی‌پایان و وادی‌یی که آخر آن معلوم نیست، لغزید. هر دولتی که حاضر شد در مقابل خواست دستگاه

یکپارچه‌ی سلطه‌ی جهانی تسلیم شود، بیش از گذشته محکوم به ضعف و ذلت و تحت سلطه قرار گرفتن و هضم شدن شخصیت شد» (بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان ۱۳۶۹/۴/۲۵).

۳-۹. وحدت و همبستگی

«وحدت اسلامی و وحدت بینش و نظر و سخن مسلمین، برای استکبار و در رأس آن، امریکای غدار و ابزارهای او در دستگاه حاکمیت سلطه در عالم، خطرناک است. این، حقیقتی است که امام بزرگوار ما بارها آن را بیان کرد» (بیانات در دیدار میهمانان خارجی مراسم اولین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۶۹/۳/۱۶).

«در کدام نقطه‌ی عالم است که مسلمانان از قبل خباثت استکبار جهانی و دستگاه سلطه‌ی جهانی به نحوی آسیب نبینند و فشار بر آنها وارد نشود؟! علاج چیست جز ایستادگی خود مسلمانان؛ جز همپیمانی مسلمانان؛ جز اتحاد مسلمین با یکدیگر؛ جز بیداری جوامع اسلامی و جز به کار گرفتن نیروی عظیم اسلام در سراسر عالم؟» (بیانات در دیدار میهمانان خارجی شرکت‌کننده در مراسم سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) ۱۳۷۱/۳/۱۳).

فحوای کلام رهبری مبین این اصل است که اگر اندک اختلافاتی در حوزه اعتقادات دینی وجود دارد، در برابر نظام سلطه وحدت کلمه و رای و بینش سیاسی واحد امری ممکن است. به دیگر سخن اختلافات مذهبی مانع اشتراک نظر سیاسی نیست.

۳-۱۰. صیانت از ارزش‌ها

«راه موفقیت امریکا و دیگر قدرت‌ها و مرتجعان و حکام ظالم و حلقه‌های زنجیره‌ی سلطه‌ی جهانی این است که مردم از دین و معرفت و ایمان دینی عاری بشوند؛ بی‌بندوبار، بی‌ایمان، بی‌عقیده، بی‌تعصب و بی‌غیرت دینی بشوند» (بیانات در دیدار میهمانان و شرکت‌کنندگان کنفرانس جهانی اهل‌بیت (ع) ۱۳۶۹/۳/۴).

امروزه حلقه مفقوده تمدن مدرن غرب روی گردانیدن از معنویت و ابعاد روحانی و

سیاست‌پژوهی
چیستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



اخلاقی بشری است. علم در وجه عقلانیت ابزاری و مادی گرایانه آن در پاسخ به خواسته های نفسانی و مادی انسان موفقیت های شگرفی را بدست آورده است. اما در عوض انسان را اسیر تکنولوژی و دنیا گرایی نموده است. بنابراین اصالت دادن به عقیده و ایمان می تواند حداقل گوهر الهی و انسانی پیشرفت را تضمین و از پایمال شدن حیثیت انسانی جلوگیری نماید.

۳-۱۱. مسئولیت پذیری و وظیفه شناسی نویسندگان و فرهیختگان

رهبری عنصر آگاهی بخشی به مردم را در معرفی و افشای نیت نظام سلطه را با اهمیت تلقی می کنند

«نویسندگان و گردانندگان مطبوعات، هدایت افکار جامعه و تلاش برای اعتلاء و ارتقای آن را وظیفه ی بزرگ خود دانسته، فضای ذهنی جامعه را با طرح مسائل مهم جهانی و داخلی و افشای خدعه های نظام سلطه ی بین المللی روشن سازند و امانت و صداقت معلمی دلسوز را، فریضه ی تخلف ناپذیر خود شمارند و از طرح موضوعات تفرقه انگیز یا دلسردکننده اجتناب ورزند» (پیام به ملت شریف ایران در چهلمین روز ارتحال امام خمینی (ره))
(۱۳۶۸/۴/۲۳)

۳-۱۲. اصل قدرتمندی همه جانبه و اعتماد به نفس

«ملت ها هیچ راهی بجز قوی شدن، اعتماد به نفس، توکل به خدا و توکل به نیروی ذاتی خود ندارند؛ ملت ها باید خودشان را قوی کنند. این قوی شدن فقط از جنبه ی نظامی نیست؛ ملت ها باید اراده، اقتصاد، دانش و پیشرفت های گوناگون خود را پی در پی قوی کنند» (بیانات در مراسم مشترک دانشگاه های افسری ارتش ۱۳۸۴/۹/۳۰).

۳-۱۳. جهاد علمی

علم از نظر رهبری از کارآمدترین ابزارها برای مقابله با نظام سلطه بوده است و ایشان در این زمینه مؤکد تذکر داده اند :

سازش روی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



«آنها می‌دانند که علم چقدر در قدرت بخشیدن به یک ملت و به یک کشور، تأثیر دارد، لذاست که اگر بخواهند نظام سلطه؛ یعنی رابطی سلطه‌گر و سلطه‌پذیر باقی بماند و حاکم بر نظم جهانی باشد، باید نگذارند آن بخشی که آنها مایلند سلطه‌پذیر باشند، دارای علم شوند؛ این یک استراتژی است که بروبرگرد ندارد و الان رفتارشان هم در دنیا بر همین منوال است؛ لذا باید برای کسب علم و تحقیق جهاد کرد؛ باید کار کرد» (بیانات در دیدار جمعی از مسئولان جهاد دانشگاهی ۱۳۸۳/۴/۱)

«اگر می‌بینید جمهوری اسلامی که حرکت نظامی سلطه را در همه‌ی مدارهای آن با مشکل مواجه کرده و نظام سلطه‌ی جهانی را به چالش طلبیده... راز آن در همین تولید علم و ایمان است. علم و ایمان را در خودتان تقویت کنید» (بیانات در مراسم مشترک دانشجویان دانشگاه‌های افسری ارتش ۱۳۸۳/۷/۲۲).

یاست پژوهی

چیستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



در عمل غرب علاوه بر سوء استفاده از علم در جهت سلطه‌گری و توسعه طلبی، دستاورد های علمی خود را بویژه در حوزه علوم تجربی و اثباتی به رخ ملل کمتر توسعه یافته کشیده است و با یک نوع آپارتاید علمی به تحقیر جهان غیر غربی پرداخته است تا از تجهیز این کشورها به علم جلوگیری کند. امروزه علم اساسی ترین عامل در توانمند سازی و کارآمدی هر دو وجه سخت افزاری و نرم افزاری قدرت است. سوء استفاده از علم اگرچه به ظهور استعمار و نظام سلطه انجامید، اما مجهز شدن به آن و بکارگیری هوشمندانه آن می تواند بنیان های نظام سلطه را واژگون سازد و بر توانایی مادی و معنوی ملت‌ها بیفزاید. بعلاوه کسب تحصیل و آگاهی مورد تاکید اسلام بوده است و خصلت رهایی بخشی و تقویت دانایی و فکر به مثابه نوعی جهاد است.

نتیجه گیری

با تأمل در چیستی، علل و چگونگی مقابله با نظام سلطه که در گستره بحث از منظر ۲۴۷ مقام معظم رهبری تقریر شد، می‌توان اصولی را استنباط و فهم نمود.

نظام سلطه از منظر هستی‌شناسی دارای ماهیت، اجزاء و عناصر بهم پیوسته‌ای است که روابط متقابل و کارکردی آنها با یکدیگر مجموعه‌ای نسبتاً گسترده را بسازد. نظام و ساختار منسجم صورت بندی می‌کند. نگاه به هویت و ماهیت انسان در این نظام ابزاری و مبتنی بر آرمان‌های مادی و نفسانی این جهانی انسان است. یک جهان بینی محدود، سطحی و زودبازده. به همین دلیل اصل کرامت انسان در شعارهای انسان‌گرایانه آنها رنگ می‌بازد و در مناسبات اجتماعی در سطوح مختلف دو انسان متفاوت و متضاد عینیت می‌یابد: انسان سلطه‌گر/سلطه‌پذیر، ظالم/مظلوم، برخوردار/محروم، قدرتمند/ضعیف، انحصارطلب/توسری‌خور و موارد مشابهی از این دو گانه‌های ناسازه. هنر نظام سلطه اینست که این دو گانه‌های ناسازه را که در وجود دو انسان نمود دارد را به همگرایی و زیست اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مجاب می‌کند و متاسفانه تاکنون موفق بوده است. رابطه بین این هستی‌های دو گانه مبتنی بر زور، تکبر و ظلم است و پیامدی جز، بردگی، فقر، فساد، جنگ و نابودی هویت شخصیتی و ملی انسان سلطه‌پذیر ندارد و در مقابل انحصار، استکبار و نخوت و سلطه جهانی را برای انسان سلطه‌گر فراهم می‌سازد که شبکه جهانی صهیونیسم سردمدار آن است. در میان اجزاء سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و علمی نظام سلطه، مهمترین و خطرناک‌ترین جزئی که می‌تواند از طریق امکانات مدرن در دسترس، این کرامت انسانی کاذب و این روابط ناعادلانه و ظالمانه را موجه جلوه دهد و انسان را در خوش خیالی دروغین خود سرگرم سازد، سلطه فرهنگی است. این همان شاکله معیوب و وضعیت دردناکی است که رهبری معظم انقلاب در ساختار حاکم بر سیاست بین‌الملل مشاهده می‌کنند.

از منظر معرفت‌شناسی و چرایی شکل‌گیری نظام سلطه، با ادراک از دیدگاه رهبری می‌توان درسوء بکارگیری معرفت علمی مفهوم بندی کرد. رهبری انقلاب یک عالم دینی و رهبر جامعه اسلامی هستند. در جهان بینی ایشان که همان جهان بینی اسلامی

سازش‌شوی

دوره پنجم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۷



است، معرفت علمی در پیوند با معارف دینی است و بنوعی علم تابع دین و در راستای آرمان‌ها و اهداف جامع و جهان شمول دین است. علوم جدید غرب و بخصوص علوم مبتنی بر تجربه (اثبات گرایی) که در جهان سرمایه داری به اوج رشد خودش رسید، انسان را بسان شیء یک موجود بیطرف و خنثی در نظر می گیرد، علیه دین و متافیزیک طغیان می کند و رسالت خود و عالم را در تبیین امر واقع بکار می گیرد. یک علم سکولار و صرفاً دنیایی که نه تنها به نیازهای عینی انسان پاسخ می گوید بلکه انسان را در زرق و برق تنوع دستاوردهای خود اسیر می سازد. این علم ابزاری است که در تغییر طبیعت، چنگ اندازی به ثروت طبیعی ملل محروم، استعمار و استثمار و تحقیر آنها بکار گرفته می شود و روابط مبتنی بر سلطه‌گری و سلطه پذیری را شکل می دهد. وجه نرم افزاری آن نیز تنها ارزش‌های انسانی را ارزش‌های غربی معرفی می کند و با ترویج ریاکارانه و غیر واقعی آنها بر استمرار نظام سلطه پای می فشارد.

از منظر روش شناسی و چه باید کرد، از دیدگاه رهبری چنین استنباط می شود که ایشان از معدود رهبران جهان هستند که در برابر شاکله و هیمنه عظیم نظام سلطه تسلیم پذیری را ابدأ توصیه نمی کنند، چرا که ملل تحت نظام سلطه را به اصول و بنیادهایی ارجاع می دهند که هم کفایت مقابله با نظام سلطه را دارند و هم پتانسیل ایجاد یک جامعه پیشرفته و مستقل را. نفی عبودیت غیر خدا و بازگشت به هویت اصیل اسلامی و ملی، تکیه بر علم و ایمان و لزوم پیوند بین آنها که در واقع بنیه درونی ملت و استقلال را در تمامی ابعاد آن تضمین می کند از جمله راه‌های مقابله با چالش " نظام سلطه " است. بعلاوه حس مسئولیت شناسی، اعتماد به نفس و تسلیم ناپذیری نیز که خود مقوم و وحدت آفرین است دستاوردهای دیگر تکیه بر اصالت های خود است که نظام سلطه را به اضمحلال می کشاند.

یاست پژوهی

چستی نظام سلطه و چگونگی مقابله با آن (از دیدگاه مقام معظم رهبری)



فهرست منابع

۱. اسپرینگز، توماس. (۱۳۷۹). *فهم نظریه‌های سیاسی*، ترجمه فرهنگ رجایی؛ تهران، انتشارات آگاه.
۲. برژینسکی، زیگنیو. (۱۳۸۶). *انتخاب: سلطه یا رهبری*، ترجمه امیرحسین نوروزی، تهران، نشر نی.
۳. عالیخانی، محمد. (۱۳۸۱). *حقوق اساسی*، تهران، انتشارات دستان.
۴. فران، جان. (۱۳۸۲). *نظریه پردازى انقلاب ها*، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران، نشر نی.
۵. قادری کنگاوری، روح الله. (۱۳۸۹). *کالبد شکافی ساختار سیاسی ایالات متحده امریکا*، تهران، انتشارات دانشگاه امام حسین.
۶. کالینز پایپر، مایکل. (۱۳۹۰). *قدرت پنهان در آمریکا*، ترجمه علیرضا عبادتی، تهران، انتشارات روایت فتح.
۷. گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۷). *جامعه شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، تهران، نشر نی.
۸. یزدان فام، محمود به اهتمام (۱۳۸۷). *راهبرد امنیت ملی آمریکا (مجموعه مقالات)*، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.





پرویشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی